

مسائل قسم (سوگند)

(مسئله ۱) «قسم» بر دو نوع است:

الف - آنکه انسان برای اثبات یا نفی چیزی سوگند یاد کند؛ مثلاً بگوید: «والله! چنین بوده» یا «والله! چنین نبوده»؛ این گونه قسمها اگر راست باشد کراهت دارد و اگر دروغ باشد گناه کییره است، ولی کفاره ندارد. و اگر برای اینکه خودش یا مسلمان دیگری را از شر فرد ظالمی نجات دهد به دروغ سوگند یاد کند اشکال ندارد، بلکه گاهی واجب می‌شود، ولی اگر می‌تواند توریه کند و توجه به آن دارد احوط آن است که توریه نماید.^۱

ب - نوع دیگر قسم آن است که انسان برای انجام یا ترک کاری در آینده سوگند یاد کند، و به این وسیله انجام یا ترک آن کار را بر خود واجب گرداند، به عنوان مثال بگوید: «والله! اگر به پدر احترام نکنم به فقیر صدقه می‌دهم» یا بگوید: «والله! اگر سیگار بکشم یک روز را روزه می‌گیرم». در این صورت آن عمل بر او واجب می‌شود، و اگر از روی عمد مخالفت کند باید کفاره بدهد. و آنچه در مسائل آینده می‌آید مربوط به نوع دوم است.

(مسئله ۲) قسم صحیح دارای چند شرط است:

۱- کسی که سوگند یاد می‌کند باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قسم بخورد و اگر می‌خواهد درباره مال خود سوگند یاد کند باید سفیه یا محجور نباشد، پس قسم خوردن کودک، دیوانه، سفیه و محجور، نسبت به مال خود و کسی که محجورش کرده‌اند صحیح نیست، همچنین اگر در حال عصبانی بودن بی‌قصد یا بی‌اختیار قسم بخورد اعتباری ندارد.

۲- کاری که برای انجام آن سوگند یاد می‌کند نباید حرام یا مکروه باشد، همچنین کاری که برای ترک آن قسم می‌خورد نباید واجب یا مستحب باشد. و اگر سوگند یاد کند که کار مباحی را بجا آورد باید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجام آن نباشد و نیز اگر قسم بخورد کار مباحی را ترک کند باید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترک آن نباشد، بلکه صحت قسم در کار مباحی که انجام و ترک آن در نظر شرع و مردم مساوی است محل اشکال است. و اگر کاری را که برای انجام آن قسم خورده در وقت قسم انجام آن بهتر بوده، ولی در وقت عمل شرعاً ترک آن بهتر است، عمل به آن لازم نیست، همچنین است اگر کاری را که برای ترک آن قسم خورده در وقت قسم ترک آن بهتر بوده، ولی در وقت عمل انجام آن بهتر باشد.

۳- به یکی از اسامی خداوند متعال سوگند یاد کند، خواه نامی باشد که به غیر ذات مقدس او گفته نمی‌شود، مانند: «الله» و «خدا» یا نامی که به غیر خدا هم گفته می‌شود، ولی به اندازه‌ای درباره خدا استعمال می‌شود که هر گاه آن نام برده شود ذات مقدس خدا در نظر می‌آید، مانند: «خالق» و «رازق»، بلکه اگر به نامهایی قسم یاد کند که بدون قرینه خدا در نظر نمی‌آید ولی او قصد خدا را داشته باشد بنابر احتیاط باید به آن قسم عمل نماید. و در هر حال اگر به غیر خدا - مانند: «پیامبر (ص)» یا «امام (ع)» یا «قرآن» یا «کعبه» یا «مسجد» یا «جان خود» و یا «جان دیگری» - قسم خورده باشد، هر چند مخالفت آن، کار خوبی نیست ولی

^۱. «توریه» آن است که دروغ را به گونه‌ای ادا کند که قابل انطباق بر راست نیز باشد و در دل حرف راست را قصد نماید.

عمل بر طبق آن واجب نیست و کفاره ندارد.

۴ - قسم را به زبان بیاورد؛ بنابراین اگر بنویسد یا در قلبش آن را نیت کند صحیح نیست، ولی شخص لال می‌تواند با اشاره سوگند یاد کند.

۵ - عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد و اگر هنگامی که قسم یاد می‌کند ممکن باشد و بعد تا آخر وقتی که برای قسم معین کرده عاجز شود یا مشقت شدید داشته باشد، از همان وقت که چنین شده قسم او به هم می‌خورد.

(مسئله ۳) قسم خوردن فرزند با نهی پدر یا قسم زن با نهی شوهر صحیح نیست، بلکه اگر بدون اجازه و اطلاع آنان نیز قسم یاد کنند محل اشکال است، هر چند در این صورت احوط عمل کردن به آن است، مگر اینکه پدر یا شوهر قسم آنان را به هم بزند و از عمل به آن نهی کند، یا عمل کردن زن به قسم، مزاحم حقوق شوهر باشد.

(مسئله ۴) کفاره مخالفت با قسم، سیر کردن یا پوشاندن ده فقیر و یا آزاد کردن یک بنده است و چنانچه توان انجام هیچ کاری را ندارد باید سه روز روزه بگیرد.

(مسئله ۵) اگر انسان از روی فراموشی یا ناچاری به قسم عمل نکند کفاره بر او واجب نیست، همچنین است اگر مجبورش کنند که به قسم عمل ننماید. و قسمی که آدم وسواس می‌خورد مثل اینکه می‌گوید: «والله! الان مشغول نماز می‌شوم» و به واسطه وسواس مشغول نمی‌شود، اگر وسواس او طوری باشد که بی‌اختیار به قسم عمل نکند کفاره ندارد.